



میزان توجه کتاب مطالعات اجتماعی پنجم ابتدایی به مؤلفه‌های جهانی شدن

سمیه عالیشوندی

کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

Somaye-alish@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب مطالعات پنجم ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های پدیده جهانی شدن انجام گرفت و مؤلفه‌های پژوهش شامل آموزش شهروندی، آموزش چند فرهنگی، آموزش صلح، آموزش محیط زیست و آموزش سلامت بودند. در این پژوهش کتاب مطالعات پنجم ابتدایی به عنوان یکی از منابع آموزشی مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود به چه میزان در راستای مؤلفه‌های آموزش جهانی حرکت کرده است. روش مورد استفاده در تحلیل محتوا، روش ویلیام رومی و واحد تحلیل صفحات (متن، پرسش-ها، تمرین‌ها و تصاویر) که در مجموع ۱۳۷ صفحه را شامل می‌شد و جامعه آماری شامل یک جلد کتاب در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ با عنوان مطالعات پنجم ابتدایی بوده و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین توجه به مؤلفه آموزش شهروندی و کمترین میزان توجه به مؤلفه‌ی آموزش محیط زیست می‌باشد، همچنین کتاب مذکور در زمینه پرداختن به مؤلفه‌های جهانی شدن نیمه فعال (متوسط) می‌باشد چراکه ضریب درگیری عددی پایین تر از ۱ و بالاتر از ۰.۵/ می‌باشد و به این معنی است که کمتر از ۵۰ و بیشتر از ۲۵ درصد واحد‌های تحلیل کتاب به مؤلفه‌های جهانی شدن پرداخته است و می‌توان گفت میزان پرداختن به مؤلفه‌های مذکور در حد متوسط می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، ویلیام رومی، جهانی شدن

مقدمه

جهانی شدن فرآیند رو به گسترشی است که تمامی عرصه‌ها را درنوردیده و تمامی کشورهای جهان را به طریقی درگیر کرده است و جهان را دهکده‌ای نموده که در آن وظیفه مرزها حداقل تعیین قلمرو کشورهاست و همه چیز در دنیای بین‌الملل و جوامع در حال انتقال است. از این رو جهانی شدن برنامه‌های درسی در صدد تدارک فرصت‌های رشد و توسعه شخصی و حرفه‌ای همه دانش‌آموزان و دانشجویان حاضر در صحنه جهانی و بر اساس نگرستن به تمام افراد در سطح جهان به عنوان شهروند جهانی است در آموزش و پرورش جهانی نیز برنامه درسی نمی‌تواند محدود به مرزهای ملی باشد و باید به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کند تا راه‌هایی را که از طریق آنها می‌توانند زندگی خود و دیگر انسان‌ها را در سراسر جهان غنی سازند کشف و به آنها عمل کنند (کدیور، ۱۳۸۴).

تحولات جهانی از جمله گسترش روزافزون دامنه‌ی ارتباطات با کمک پیشرفت‌های علمی و فناوریانه سبب به هم پیوستگی و در هم تنیدگی مسائل جهانی شده است این وضعیت جدید اقتضات و الزاماتی را در همه حوزه‌های تأثیرگذار زندگی انسان و در ابعاد فردی و اجتماعی به دنبال داشته و آموزش و پرورش به شکل عام و حوزه‌ی برنامه‌های درسی به شکل خاص نیز از این امر برکنار نبوده‌اند. در این زمینه می‌توان گفت که نهاد اجتماعی آموزش و پرورش چون سایر نهادها در خلأ عمل نمی‌کند و نه تنها جزیی از کل به حساب می‌آید بلکه در معادلات بین‌المللی نیز جزیی از کل نظام جهانی به شمار می‌رود و بالطبع با سایر جریان‌های اجتماعی در کنش متقابل است (علاقه بند، ۱۳۸۰).

در گذشته‌ای نه چندان دور می‌شد تصور کرد که نظام‌های تعلیم و تربیت بدون توجه به تنوع و گوناگونی فرهنگ‌ها و باورهای مردم در دیگر سرزمین‌ها بدون توجه به آن چه خارج از مرزهای جغرافیایی قرار دادی می‌گذرد برنامه‌ریزی کنند اما امروزه و با از میان رفتن مرزهای قراردادی سنتی و با توجه به تأثیر تحولات یک منطقه بر دیگر مناطق جهان ناگزیر باید در امر برنامه‌ریزی و به خصوص در تألیف و تدوین برنامه‌های درسی به این مهم توجه شود در عصر مبادله‌ی اطلاعات تصور انسان و ویژگی‌های او تنها در درون جامعه‌ای